



نویسنده: ریچارد اچ. فاستر و مارک کی. مکبث
مترجم: دکتر علی خورشید دوست
عضو هیات علمی گروه جغرافیای طبیعی - دانشگاه تبریز

نقش ساکنان نواحی روستایی و شهری در تعیین راهکارهای توسعه اقتصادی و زیست محیطی

چکیده

خبرگان است که هم در حال جدال با یکدیگرند و هم فرصت انتخاب دارند. این مبارزه در جهت اعمال سلیقه‌های سیاسی برای راهکارهایی است که با عقاید آن‌ها هم خوانی دارد. در این تلاش اغلب دیدگاه‌های مخالف را بر نمی‌تابند؛ اما فرصتی که در اختیار چنین مجریانی می‌باشد، می‌تواند آن‌ها را به سمت شنیدن و ملاحظه انواع عقایدی سوق دهد که از علائق خود سرانه به منافع گروهی گرایش می‌یابند. مبارزه طلبی و چندگانه اندیشیدن هنگامی که مسؤولان اجرایی می‌کوشند تا گرایش‌ها و عقاید متعدد را در سیاست‌گذاری‌ها به کار گیرند، توأم می‌شوند که معمولاً این گونه تصمیم‌گیری‌ها راه به جایی نمی‌برند.

هرکسی که از نزدیک مسائل سیاسی را دنبال می‌کند، باید این جمله قدیمی را به خاطر بیاورد که: «با یک دست، دو هندوانه نمی‌توان برداشت.» سیاست بسیار پیچیده است و چنانچه دستخوش خودکامگی شود، غیر قابل تحمل خواهد شد. در شرایطی که در، سیاسی، نمایش دلنشینی را به معرض نمایش می‌گذارد، تنها بخشی از داستان را می‌تواند بیان کند. معمولاً مطبوعات بندرت روند اجرای امور را ملاحظه و به طور دقیق گزارش می‌کنند. البته شاهدان اندیشمند می‌دانند که نتایج سیاست‌گذاری‌ها بیش از همه واقعاً به وسیله فرایند اجرای سیاست‌گذاری‌ها تکمیل می‌شود. در نتیجه، اجرای برنامه‌ها از آن‌جا که مربوط به تصمیم‌گیری است، جنبه‌ای سیاسی دارد. روند اعمال سیاست‌ها در ایالات متحده، نقش نواحی روستایی را به طور کامل از صحنه عمل حذف می‌کند. اما این موضوع به این معنا نیست که نواحی روستایی عاری از مسائل سیاسی می‌باشند. در اغلب موارد، موضوعی که مسائل سیاسی روستایی را تشدید می‌کند، از نظر روانی در سطح ملی بازتاب پیدا می‌کند و بقیه افراد جامعه، نگرشی مختصر از شدت بحران سیاسی به دست می‌آورند. یکی از موارد بسیار آشکار در این زمینه، ضد و نقیض‌گویی‌ها و جر و بحث‌هایی است که ایالت‌های شمال غربی درباره موضوع احیای نوعی جغد خالمخالی در نواحی شمالی در برابر احیای هیزم‌شکنان و کارگران آسیاب‌ها که در معرض خطرند.

با این که جوامع روستایی در واقع بازندگان و برندگان اصلی مسائل مربوط به توسعه اقتصادی و محافظت از محیط زیست به شمار می‌روند، لیکن معمولاً در روند سیاست‌گذاری‌های مربوط به این نواحی، کم‌تر دخالت داده می‌شوند. در نواحی شهری، برنامه‌ریزی‌ها، تدوین خط‌مشی‌ها و اجرای آن‌ها توسط تصمیم‌گیران، قانونگذاران و عوامل اجرایی انجام می‌گیرد. این قبیل خط‌مشی‌ها نمی‌توانند با دیدگاه جوامع روستایی درباره منافع و مضرات خط‌مشی‌های اقتصادی و سیاسی منطبق باشند. در چنین شرایطی، معمولاً از تمرکززدایی خط‌مشی‌های اقتصادی و محیطی سخن می‌گوییم؛ هرچند دریافته‌ایم که چنین دیدگاهی، خطراتی در پی دارد (چنان‌که تصمیم‌گیران و مدیران اجرایی برنامه‌های نواحی روستایی برای مثال مخالف شدید محیط زیست و هوادار رشد اقتصادی باشند). این پژوهش با استفاده از یک سلسله نمونه‌گیری از مقامات رسمی امور توسعه روستایی به بررسی نظرات این قبیل مسؤولان درباره روند توسعه اقتصادی و زیست محیطی در مقیاس ملی می‌پردازد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که مقامات رسمی امور توسعه در نواحی روستایی در مقایسه با مقامات شهری درباره کیفیت محیط زیست گرایش بهتر و مطلوب‌تری دارند. در این پژوهش، یافته‌ها به طور کامل ارائه می‌شوند و پیشنهادهایی برای ادامه تحقیقات در آینده ارائه می‌شوند.

پیش‌گفتار

انتخاب خط‌مشی‌ها و راهکارها اغلب به عنوان تصمیم‌گیری‌هایی از میان اهداف دلخواه و مطلوب ارائه می‌شوند که جنبه‌ای منحصر به فرد دارند. سیاست‌گذاری‌هایی که نیاز به تصمیم‌گیری را تداعی می‌کنند، معمولاً به صورت تلاش تمام‌افزادی جلوه‌گر می‌شوند که در صدد رنگین‌تر کردن نتایج تصمیمات خود به عنوان تنها انتخاب مطلوب و منطقی هستند و بویژه انتخاب آن‌ها اغلب مغایر انتخاب سایر افراد است. این ویژگی نهادین روند سیاست‌گذاری‌ها در ایالات متحده شامل تصمیم‌گیران، مجریان و



توانایی آن در برآورد نیازهای اقتصادی ساکنان آن نیست؛ لیکن با وجود تأثیرات مخرب بهره‌برداری اقتصادی بر محیط زیست، هنوز هم بسیاری از ویژگی‌هایی را دارد که امکان توسعه فناوریانه را پیش از بهره‌برداری اقتصادی مؤثر در مقیاس کلان فراهم می‌کند. در نتیجه، واژه روستا برای روستائیان و حتی شهروندان به عنوان یک نماد باقی مانده است. روستائینان خود را به عنوان افرادی متکی به خود می‌پندارند که قادر به کمک رسانی به همسایگان نیازمند خود نیز می‌باشند. ساکنان روستاها خود را در بسیاری مواقع تافته جدا بافته می‌شمارند. هنگامی که این افراد احساس کنند که از طرف دولتمردان چیزی بر آن‌ها تحمیل می‌شود، در موضع دفاعی قرار می‌گیرند. آن‌ها بویژه به سرعت در برابر محیط‌گرایان حالتی تهاجمی به خود می‌گیرند (به عنوان مثال: ن. ک. مکبث و فاستر، ۱۹۹۴).

اندازه‌گیری تفاوت‌های موجود بین ارزش‌های زیست محیطی روستایی و شهری امری دشوار است. با این وجود، تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که ارزش‌های زیست محیطی مورد نظر روستائیان در مقایسه با ارزش‌های جهانی محیط‌گرایان جنبه‌ای کاملاً محلی دارد. محیط‌گرایان شهری معمولاً نقطه نظرات جهانی کامل و علمی در مورد محیط زیست دارند که با روستائینان مربوط است؛ یا این که در بدترین حالت تهدیدی علیه راه و روش زندگی آن‌هاست. بسیاری از روستائینان از ارزش‌های زیست محیطی مطلوبی برخوردارند. این ارزش‌ها به احتمال زیاد شامل ارزش‌های زیست محیطی - بهداشتی از قبیل آب سالم، هوای تمیز و فضای باز است. روستائینان تعصب چندانی برای ارزش‌های زیست محیطی نواحی شهری از قبیل جنگل‌های حاره بارانی، محافظت از لایه اوزون یا حقوق جانوران نشان نمی‌دهند (مکبث و فاستر، ۱۹۹۴).

به همین ترتیب به نظر می‌رسد که روستائینان آماده توسعه اقتصادی از درون یا تعیین خط‌مشی‌هایی از قبیل ایجاد مشاغل کوچک و توسعه مشاغل فعلی و همچنین توسعه صنایع دستی باشند. در این نواحی به طور کلی ساکنان با توسعه اقتصادی از بیرون یا توسعه صنایع، توسط جهانگردی یا حتی گسترش اجتماعات مربوط به بازنشستگی مخالفت می‌کنند. موارد اخیر بیش‌تر به عنوان خط‌مشی‌های توسعه شهری مطرح می‌شوند (مکبث ۱۹۹۵).

ساکنان نواحی روستایی احتمالاً بدستی بر این باورند که افراد غیر روستایی حاضر به قربانی کردن رفاه اقتصادی محلی و آداب و رسوم زندگی سنتی در برابر موضوعات جهانی زیست محیطی هستند. در یک گزارش مشابه، روستائیان از آن بیم دارند که گروه‌های توسعه اقتصادی غیر روستایی به طور یکسان مایل به قربانی کردن سنن و همچنین کیفیت محیط زیست محلی برای مقاصد آزمندانانه گروه خویش می‌باشند. در نتیجه، برخورد سیاسی با چنین موضوعی کاملاً حاد است. درگیری‌های سیاسی به قیمت احیای اقتصادی و فرهنگی، کشمکش‌های دیگر را به وجود می‌آورد. بدیهی است که کشمکش سیاسی در این مقیاس بر زندگی مردم

ارند. این جر و بحث‌ها بویژه در شهرک‌ها و شهرهای کوچک که در شمال غربی ایالات متحده واقع شده‌اند، وابستگی دوگانه‌ای هم استحصال درختان و هم محافظت از جنگل دارند. این وضعیت سد و تفتیش بسیار حاد است؛ زیرا به غیر از مشاغل، موارد دیگری بزه مخاطره می‌افتند. «در مخاطره بودن» راه و روشی از زندگی است که در کانون چنین اجتماعی از دیرباز و تا جایی که فرد می‌تواند به خاطر بیاورد، وجود داشته است. «در مخاطره بودن» یک سلسله ارزش‌هاست که فراتر از جا و مکان، خانواده، کار و آینده می‌باشد تاکنون به عنوان نظام دائمی زندگی ملاحظه شده است. همچنین در مخاطره بودن «کلیت اکوسیستمی است که مباحث مربوط به جغد حالمخالی تنها بخش کوچکی از آن را در برمی‌گیرد. پیامدهای ابرخردانه فناوری و تلاش انسان برای کنترل و به سلطه در آوردن محیط در گذشته و حال، نتایج مخربی به جا گذاشته است و بی‌تردید بر آینده نیز همچنان ادامه خواهد داشت. این موضوع درباره بخش‌هایی از ایالات متحده در غرب رودخانه می‌سی‌سی‌پی به صورت مستند گزارش شده است (ورستر، استنگر، و رایزتر)^۲

مفهوم چالش و تلاش اقتصادی در نواحی روستایی ایالات متحده به گونه‌ای سنتی بر پایه بهره‌گیری (یا استفاده) از زمین، آب، حیات وحش و هوا تداعی شده است. ساکنان روستاها بر شکار و ماهیگیری به عنوان تفریح و نیز عامل سودآوری متکی بوده‌اند. آنان مسیر خود را به منظور دستیابی به طلا، نقره و اورانیوم منفجر کرده و زمین را غریبان کرده‌اند تا نهشته‌های زغال‌سنگ، مولیبدن و فسفات را که در زیر زمین واقع می‌شده‌اند، بیابند. آن‌ها حتی کوهستان‌ها را نیز در جست‌وجوی طلا، شست و شو دادند و رفت و روب کردند. آن‌ها با افزایش تولیدات زراعی خویش و با توسل به احداث سد‌ها، انحراف دادن رودخانه‌ها، و دستیابی به منابع آب زیرزمینی، جوانه‌های بیابان‌زایی را به بار نشاندند. این افراد گله‌های بزرگ گاو و گوسفند را در دشت‌ها، بیابان‌ها و کوهستان‌های بکر رها کرده‌اند. قطعات وسیعی از جنگل‌ها را پاکت‌رشی کرده و درختان را به الوار و چوب مبدل ساخته‌اند. روستائینان چشم‌اندازهای طبیعی زمین را با نیروگاه‌های عظیم زغال‌سوز تولید برق لکه لکه آراسته و نیروگاه‌هایی ساخته‌اند که شیخ قهوه‌ای رنگشان در آسمان‌های نیلگون از ده‌ها مایل دورتر نیز قابل رؤیت است. در این زمان، مشغول احداث سد روی رودخانه‌های بزرگ هستند تا برق بیش‌تری تولید کنند. آنان ضایعات هسته‌ای را دفن کرده‌اند که به اندازه مدت زمانی طولانی، حتی بیش‌تر از زمان آغاز سکونت انسان‌ها در زمین تا امروز خطرناک هستند و تنها در مدت ۵ دهه پس از سپری شدن عصر اتم، این ضایعات به تخریب محیط زیست می‌پردازند!

نواحی روستایی ایالات متحده تفاوت چندانی با سایر نواحی زمین که به وسیله انسان‌ها اشتغال شده‌اند، ندارند. در این مناطق آنچه که بیش از همه مورد توجه واقع شده، منابع مورد بهره‌برداری بوده است. ارزش این نواحی و منابع موجود در آن نشانگر مقدار

گرایش‌های مربوط به توسعه اقتصادی و زیست محیطی روستایی

میزان سطح حمایت و پشتیبانی از موضوع محافظت از محیط زیست در میان مسؤولان و سیاست‌گزاران توسعه روستایی مشخص نیست. تلاش این پژوهش پاسخ دادن به این سؤال و پر کردن خلاء موجود است. در این جا ما مجبور شده‌ایم به مطالعات روستاییا؛ اعتماد کنیم تا به درک و شناخت میزان گرایش به سمت محیط زیست روستایی کمک کرده باشیم. سطح و میزان مقدار تمایل در میاد روستانشینان موضوعی قابل بحث است. البته پاسخ به موضوع پرسش میزان علائق روستاییان به محیط زیست بستگی به این دارد که ما چگونه «تمایل به محیط زیست» را تعریف و اندازه‌گیری می‌کنیم. یکی از عالی‌ترین مطالعات انجام گرفته در این زمینه، مربوط به تحقیق باتل و فلین^۱ در سال ۱۹۷۴ و باتل در سال ۱۹۷۵ م است. نتیجه این تحقیقات که با استفاده از پرسشنامه‌هایی در خلال دوره زمانی اواخر دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ م در ناحیه ویسکانزین تکمیل شده است، بزرگ‌ترین متغیر سکونت در روستا و گرایش به سمت موضوع محیط زیست همبستگی معنی‌داری نشان نداد. همچنین تحقیق دوم باتل (۱۹۷۵ م) نتوانست در میان روستانشینان در مقایسه با شهرنشینان گرایش زیست محیطی بیش تری بیابد. مطالعات مربوط به اواخر دهه ۱۹۷۰ م و اوائل ۱۹۸۰ م در یافته‌های تحقیقات فوق تردید ایجاد می‌کنند. ترمبلی و دانلپ^۲ دریافتند که:

۱. ساکنان نواحی روستایی در مقایسه با شهرنشینان در مورد موضوعات زیست محیطی علاقه کم‌تری نشان می‌دهند.
 ۲. دوگانگی بین نواحی روستایی و شهری هنگامی بیش‌تر عینیت می‌یافت که مقیاس و محدوده مکانی بزرگ‌تری در نظر گرفته می‌شد.
 ۳. زارعان و کشاورزان روستایی بویژه کم‌تر به مسائل زیست محیطی علاقه نشان می‌دهند.
- نویسندگان مزبور برای توجیه و تشریح یافته‌های خود، نظریه‌های زیر را ارائه کردند. نظریه نخست بر آن بود که: از آن جا که ساکنان نواحی روستایی کم‌تر در معرض آلودگی زیست محیطی واقع می‌شوند، به همین جهت کم‌تر برای آن اهمیت قائل می‌شوند. نظریه دوم نشان می‌داد که ساکنان نواحی روستایی، محیط زیست را به عنوان منبعی برای بهره‌برداری در نظر می‌گیرند (ترمبلی و دانلپ، ۱۹۷۸ م). لو و پینهی^۳ دریافتند که خود و نظریه‌های مورد نظرشان، این رویه ضد زیست محیطی روستایی را ادامه می‌دهند.
- مطالعات اخیر، فرضیه ضد محیط زیست بودن روستاییان را زیر سؤال می‌برد و گرایش هواخواهی محیط زیست اخیر را با جوامع روستایی مرتبط می‌داند. فرتمن و کاسل^۴ در تحقیق خود درباره جوامع روستایی نواحی جنگل اورگان دریافتند که ساکنان جدید نواحی روستایی که از شهرها آمده‌اند، در مقایسه با افراد بومی و محلی کم‌تر به ارزش‌های زیست محیطی علاقه نشان می‌دهند. اما

تأثیری ندارد. برای بسیاری از مردم نواحی روستایی، زندگی تلاش مداوم به منظور رفاه و احیای اقتصادی است. به موازات ایجاد تغییراتی در میزان دسترسی به منابع قابل بهره‌برداری در اثر نواسانات تقاضا، یا در نتیجه تغییر خط‌مشی‌ها، تمام جوامع روستایی در معرض ورشکستگی یا از طرف دیگر، توسعه اقتصادی قرار می‌گیرند. در رابطه با اجتماعات روستایی کوچک در ایالات متحده، مشکل معضلات اقتصادی پدید آمده است. گاهی به طور غیر مترقبه‌ای چنین پیش می‌آید که گروه‌های فعال توسعه اقتصادی در مفر خود که گاه بیش از هفتصد مایل دورتر واقع شده است، اعلام می‌کنند که معدنی بسته خواهد شد. در نتیجه صدها نفر از مردم کار خود را از دست می‌دهند و علت وجودی بسیاری از جوامع روستایی به طور ناگهانی از بین می‌رود. برخی مواقع نیز چنین تغییراتی بکنند صورت می‌گیرد؛ برای مثال، در چنین شرایطی کارگاه چوب‌بری و تهیه الوار محلی روزبه‌روز بیش‌تر توانایی خود را برای رقابت با تولیدات دیگر از دست می‌دهند و در نهایت، توان تولید نهایی کاهش می‌یابد؛ حتی امکان رقابت برای فروش الوار بتدریج رو به کاهش می‌گذارد. در نهایت این که، در بسیاری از جوامع روستایی کاهش توان اقتصادی کندتر انجام می‌گیرد و ممکن است دهه‌های متمادی نیز به طول بینجامد. لیکن پیدایش تغییراتی در روند حمل و نقل در یک مقیاس اقتصادی و همچنین توسعه فناوری می‌تواند چنین اجتماعات کوچک را به غول‌های اقتصادی تبدیل کند. با وجود این، همگی این جوامع روستایی بستری برای شکوفایی مردم واقعی و محلی می‌باشند. با وجود سنگینی این واقعیت که ساکنان روستایی برندگان و بازندگان اصلی در موضوعات مربوط به توسعه اقتصادی و محافظت از محیط زیست به شمار می‌روند، لیکن آن‌ها اغلب کم‌ترین نقش را در راهبردهای سیاسی در این نواحی ایفا می‌کنند. برنامه‌های مربوط به راهکارها معمولاً از طرف سیاستمداران قدرتمند اعمال می‌شود و مردم عادی روستایی در این باره کاملاً در حاشیه قرار می‌گیرند. افراد غیر بومی و مسؤول، برنامه‌ریزی‌ها را تدوین و اجرا می‌کنند. در این شرایط، نقش روشنفکران محلی و سیاست‌گزاران انتخابی، کاملاً مؤثر است.

با این که تمام این افراد و گروه‌ها در تصمیم‌گیری‌ها اهمیت و تأثیر زیادی دارند. اما نمی‌توان به مطالعه و بررسی همزمان همه آن‌ها پرداخت. در این مطالعه، اختلاف‌های موجود در گرایش‌های زیست محیطی در میان دولتمردان توسعه روستایی مورد تفحص قرار گرفته است. عقل چنین حکم می‌کند که تصمیم‌گیران و سیاست‌گزاران نواحی شهری در مقایسه با مسؤولان روستایی بیش‌تر با موضوعات زیست محیطی عجین می‌باشند. در این زمینه، تاکنون مطالعه‌ای تجربی انجام نگرفته است. از این رو ما با مطرح کردن پرسش زیر، بستر این تحقیق را فراهم کرده‌ایم: «چه تفاوتی در دیدگاه‌های مسؤولان و تصمیم‌گیران شهری و روستایی در زمینه محافظت از محیط زیست و توسعه اقتصادی وجود دارد؟»



به «تصمیم گیران و مشارکت کنندگان خط مشی های توسعه روستایی» (۱۹۹۳م) توسط سازمان توسعه روستایی تدوین و منتشر شده است. این گزارش شامل فهرست جامعی از زندگی نامه مسؤولان رسمی روستاست. پاسخ دهندگان به پرسش های مطروحه، از مقامات رسمی شخصی و دولتی برخی از سازمان ها، مراکز دانشگاهی، سازمان های مالی و پولی، شرکت های ملی، سازمان های غیر انتفاعی و سایر نهادها هستند. گزارش فوق، یکی از بهترین فهرست های تنظیمی درباره مقامات رسمی توسعه اقتصادی در سطح ایالتی به شمار می رود. برای انجام این پژوهش، با استفاده از روش نمونه برداری تصادفی از میان اسامی ارائه شده در کتاب پیش گفته، تقریباً ۱۴۵۰ مقام مسؤول و دست اندرکار جهت تکمیل پرسشنامه ها انتخاب شدند. پرسشنامه ها به وسیله پست و به شکل کارت پستال به افراد مورد نظر ارسال شد. میزان و درصد پاسخگویی و پاسخهای رسیده ۴۱ درصد بود.

متغیرهای وابسته

گرایش زیست محیطی: واژه و تعریف گرایش های زیست محیطی بسیار متغیر است و همان گونه که قبلاً نیز بحث شد، پاسخ کسی که چنین تمایلاتی را دارد یا ندارد، تا حد زیادی به نوع پرسش طرح شده بستگی دارد. چنانچه این موضوع را به خاطر بسپاریم، باید اذعان داشت که در این تحقیق، تمایلات زیست محیطی در سه شکل و روش جداگانه مطرح شدند. از مشارکت کنندگان و تصمیم گیران توسعه اقتصادی زیر، یک سلسله سؤال هایی مطرح شد که میزان اهمیت موضوع محیط زیست را در میان جوامع روستایی مشخص کرد:

۱. از پاسخ دهندگان خواسته شد تا میزان اهمیت پنج پدیده زیست محیطی را از تعیین کیفیت و شرایط زندگی در میان جوامع روستایی ایالت مربوطه مشخص کنند. پاسخ دهندگان دامنه اهمیت محیط زیست را از ۱ (بسیار بی اهمیت) تا ۷ (بسیار مهم) تعیین کردند. برای هر پاسخگو یک روش ترکیبی اعمال شد که در آن پاسخ ها جمع و سپس تقسیم بر ۵ شدند تا اندازه واحدی از اهمیت محیط زیست بر زندگی انسان مشخص شود.

۲. برای پاسخ دهندگان چهار نوع جهت گیری خط مشی های روستایی با پاسخ های متفاوت داده شد و از آنان خواسته شد تا پاسخ دهند که چه اندازه با هر یک از خط مشی های مطروحه موافق یا مخالف هستند. سؤال ها به درجاتی از ۱ (موافق نیستم) تا ۷ (کاملاً موافقم) دسته بندی شدند. هریک از این دسته بندی ها در برگیرنده انتخاب خط مشی های مخالف زیست محیطی و همچنین موافق زیست محیطی و توسعه پایدار بود. این پرسش از تحقیق موهایی^{۱۲} برگرفته شده است.

۳. از دست اندرکاران مسائل روستایی مصاحبه شونده خواسته شد تا میزان اهمیت پیامدهای زیست محیطی منفی بالقوه را در هنگام

ز طرف دیگر، ساکنان جدید بیش تر علاقه مند بودند که درباره خط مشی های زیست محیطی موجود نواحی روستایی نقش ایفا کنند. مکث و فاستر (۱۹۹۴م) اظهار می دارند: «راهکارهای زیست محیطی روستایی به میزان مطلوبی از طریق کیفیت انتخاب محیط زیست ساکنان اندازه گیری می شود.»

آن ها به این نکته رسیدند که: «در صورت به کار بستن این دیدگاه، میان گرایش های زیست محیطی ساکنان قدیمی و کم درآمد و ساکنان تازه وارد پر درآمد تفاوت چندانی مشاهده نمی شود.»

رازیس و جوهانسن^۹ در پژوهش خویش دریافتند، بخشی از ساکنان روستایی که در مجاورت نواحی بکر و دست نخورده حومه زندگی می کردند، از یکپارچگی و دست نخوردگی این مناطق، قاطعانه حمایت می کردند. آلم و ویت^{۱۰} در مطالعه نواحی روستایی و شهری منطقه آیداهو به این نتیجه رسیدند که در هنگام صحبت از موضوع «محافظت از محیط زیست» تفاوت چندانی بین عقاید و علائق ساکنان نواحی روستایی و شهری به چشم نمی خورد. سرانجام این که، اهمیت پدیده های زیست محیطی در دیدگاه های روستاییان در مطالعات متعددی آشکار شده است (ویلیس و همکاران^{۱۱} و هامن^{۱۱}). در رابطه با موضوع توسعه و محیط زیست، تعدادی چند از تحقیقات، علاقه مندی روستاییان را به تأثیرات زیست محیطی ناشی از توسعه اقتصادی نشان می دهند؛ برای مثال به مطالعات مکث (۱۹۹۵م)، ویلیس و کرایدر^{۱۲} (۱۹۹۳م) مراجعه کنید. تحقیقات دیگر مشخص کرده اند که محیط زیست بکر و طبیعی به عنوان یک منبع اقتصادی عمده تلقی می شود و باید به منظور دستیابی به مقاصد اقتصادی - و نه فقط برای حفظ سلامتی و زیبایی مکان - مورد محافظت قرار گیرد (پاروز ۱۹۸۸م، جانسون و راسکر^{۱۳}. جانسون در سال ۱۹۹۳م مطالعات موردی متعددی را درباره جوامع متکی و وابسته به منابع ارائه می دهد که فرایند بغرنج و دشوار پیوستگی و اتحاد دو موضوع رشد اقتصادی و محافظت از محیط زیست را آغاز کرده اند. این مطالعات موردی نشان می دهند که برنامه ریزی های زیربنایی می توانند به گونه ای موفقیت آمیز، خط مشی هایی را بیابند که هماوایی بین محیط زیست و اقتصاد را حل کند. تحقیقات موجود، گرایش های شدید شهروندان را به این زمینه نشان می دهد.

جزئیات این پژوهش

این پژوهش بر مبنای این فرضیه استقرار یافته اند که مسؤولان اجرای دولتی و خصوصی در زمینه امور توسعه در تعیین خط مشی ها و راهکارهای توسعه بیش تر انتقادپذیر هستند. به این لحاظ، ما به بررسی و مطالعه نظرات این مسؤولان و سیاستگزاران می پردازیم.

منابع اطلاعاتی تحقیق

اطلاعات مربوط به این تحقیق، از طریق داده های ملی مربوط به زعمای توسعه روستایی جمع آوری شده است که در گزارشی مرسوم

مشترک مستقل

تعریف یگانه‌ای از روستا و روستایی وجود ندارد. برای تعمیم مقاصد این پژوهش ما، دست‌اندرکاران مسائل روستایی (با پیشینه روستایی) را به عنوان پاسخ‌دهندگانی در نظر گرفته‌ایم که محل اول سکونتشان در جامعه‌ای با کم‌تر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت بوده است همچنین مقامات رسمی متکی به شهر (با پیشینه شهری) را به عنوان پاسخ‌دهندگانی در نظر گرفته‌ایم که محل اقامتشان جامعه‌ای دارای بیش از ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت بوده است (در این جا برای تعریف شهر از آمار نامه ایالات متحده استفاده شده است). ما دسته سومی پاسخگویان را نیز در نظر گرفتیم که جمعیت مکان اقامت آن‌ها بین ۵۰۰۰ تا ۴۹۹۹۹ نفر، میانگین جمعیت پاسخ‌دهندگان داخله روستا (N=۶۳) برابر ۲۵۴۸ نفر، میانگین جمعیت پاسخ‌دهندگان شهری برابر ۳۵۹۷۵۲ نفر (N=۱۲۴) و میانگین جمعیت دسته بینابین (شهرک‌ها) برابر ۲۳۱۱۵ نفر (N=۱۱۸) بوده است. (ن. ک پیوست).

در این پژوهش، همچنین موارد پیشنهادی و فرضیه‌های زیر نیز مورد آزمون قرار گرفته‌اند:

فرضیه شماره ۱: کیفیت و سطح زندگی

الف: در میان سه گروه متفاوت سیاست‌گذاران توسعه، از لحاظ اهمیت دادن به موضوعات زیست محیطی (به عنوان عامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی) تفاوتی وجود ندارد.

ب: در میان سه دسته متفاوت جمعیتی مسؤلان توسعه از لحاظ اهمیت دادن به موارد اقتصادی به عنوان عامل تأمین‌کننده حیاتی، تفاوتی وجود ندارد.

فرضیه شماره ۲: انتخاب راهکارهای روستایی

الف: در بین سه گروه جمعیتی از مسؤلان برنامه‌ریزی توسعه از نظر اهمیت دادن به انتخاب راهکارهای «ضد زیست محیطی» بهره‌بردار «اختلافی وجود ندارد.

ب: در میان سه دسته جمعیتی مسؤلان برنامه‌ریزی روستایی، از نقطه انتخاب راهکارهای «زیست محیطی» توسعه پایدار «اختلافی وجود ندارد.

فرضیه شماره ۳: پیامدهای زیست محیطی توسعه

در بین سه دسته جمعیتی جداگانه، از مقامات رسمی برنامه‌ریزی توسعه در رابطه با تعیین اهمیت پیامدهای منفی و بالقوه توسعه اقتصادی، بر محیط زیست تفاوتی وجود ندارد.

فرضیه شماره ۴: راهکارهای توسعه اقتصادی

الف: در اهمیت دادن به خط مشی‌های توسعه اقتصادی برون‌زا در میان سه گروه پاسخ‌دهنده تفاوتی وجود ندارد.

اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی تعیین‌کنند. مصاحبه‌شوندگان به این پرسش در یک مقیاس کدبندی شده از ۱ (بسیار بی‌اهمیت) تا ۷ (بسیار مهم) پاسخ دادند.

گرایش‌های مربوط به توسعه اقتصادی

ادبیات موضوعی پیشرفته و جامعی - که پایگاه‌های اطلاعاتی ملی را ارائه می‌دهد - وجود ندارد تا اختلاف بین گرایش‌های توسعه اقتصادی روستایی را هم بر مبنای تصمیم‌گیری‌های شهروندان و هم بر اساس اعمال تصمیمات از جانب سیاست‌گذاران روستایی نشان دهد. پایگاه اطلاعاتی این پژوهش در صدد است تا با بررسی چهار جنبه از ویژگی‌های توسعه اقتصادی که به حمایت از محیط زیست مربوط می‌شوند، خلاء اطلاعاتی فوق‌را پر کند:

۱. از پرسش‌شوندگان خواسته شد تا میزان اهمیت و نقش پنج پدیده اقتصادی را در زندگی روستائیشان تعیین کنند. پاسخ‌دهندگان در دامنه ۱ (بسیار بی‌اهمیت) تا ۷ (بسیار مهم) به این پرسش پاسخ داده‌اند. برای هر پاسخگو یک روش ترکیبی اعمال شد که در آن، پاسخ‌ها جمع و سپس تقسیم بر پنج شد تا اندازه واحدی از اهمیت و کیفیت پدیده‌های اقتصادی در زندگی روستائیشان تعیین شود.

۲. سؤال شد که مخاطبان میزان موافقت خود را با شش مورد خط مشی متفاوت توسعه اقتصادی اعلام کنند. سه خط مشی دیگر به تشویق توسعه اقتصادی از درون روستا می‌پرداختند (ایجاد مشاغل کوچک، توسعه صنایع دستی و خانگی). در ضمن، یک روش ترکیبی از خط مشی‌های توسعه درون‌زا و برون‌زا طراحی شد. هسته اصلی این پرسش‌ها، از تحقیق ویلیتس و کرایدر (۱۹۹۳م) برگرفته شده است.

۳. سؤال دیگر این بود که آیا پاسخ‌دهندگان، جمله زیر را قبول می‌کنند: «در صورت فقدان رشد جمعیت، امکان رفاه اقتصادی در جوامع روستایی وجود دارد.»

پاسخ به صورت «بله» و «خیر» بود. این پرسش بر مبنای یک اصل از اصول توسعه پایدار تدوین شده که بر اساس آن رفاه اقتصادی در صورت عدم افزایش جمعیت امکان‌پذیر است و از این رو، توسعه اقتصادی و فعالیت‌های مربوط به آن، لزوماً نباید به تخریب محیط زیست بینجامد (کینزلی^{۱۵}).

۴. سؤال شد که: «سازکنان محلی روستایی در تدوین راهکارهای مربوط به توسعه اقتصادی محلی تا چه اندازه باید نقش و دخالت داشته باشند؟»

این سؤال نیز بر مبنای یکی از قواعد اساسی توسعه پایدار طرح شده است. اهمیت زیست محیطی این سؤال در این است که فرض می‌شود چنانچه برای تدوین و برنامه‌ریزی خط مشی‌های توسعه اقتصادی به جای سازمان‌های دولتی یا شرکت‌های ذی‌نفع از روستائیان و افراد محلی استفاده شود، در نتیجه، اهمیت بیشتری به موضوع محافظت از محیط زیست داده خواهد شد.



ب: در اهمیت دادن به خط مشی های توسعه اقتصادی درونزا
ر میان سه گروه پاسخ دهنده تفاوتی وجود ندارد.

رضیه شماره ۵: رشد جمعیت

در مورد سؤال مربوط به امکان پذیر بودن توسعه اقتصادی بدون
شد جمعیت در سه دسته پاسخ دهنده، هماوندی و همبستگی وجود
دارد.

رضیه شماره ۶: میزان نقش و دخالت افراد محلی در تصمیم گیری ها
در پاسخگویی به این سؤال که افراد بومی تا چه اندازه در تعیین
اھکارهای توسعه اقتصادی باید دخالت کنند و سه گروه
اسخ دهنده، ارتباطی وجود ندارد.

روش تجزیه و تحلیل آماری

در ۵ مورد از فرض های پیشنهادی، سؤال هایی مطرح شدند
که پاسخگویی به آن ها در مقیاس «۷ گانه» انجام گرفت و بنابر این
میانگین و انحراف معیار داده ها اندازه گیری شد و به منظور آزمون
خلاف میانگین های سه گروه جمعیتی از تحلیل واریانس و
حاسبه آزمون F استفاده شد. این آزمون در مورد فرضیه های
شماره ۱، ۲، ۳، ۳، ۶ انجام گرفت. همچنین از تحلیل چند
متغیره در کنترل متغیرهای درآمد، سن و میزان تحصیلات پاسخ
دهندگان استفاده شد و برای انجام این محاسبات تأثیر جمعیت بر
متغیرهای وابسته تفکیک شد. در نهایت، در مورد فرضیه شماره
۵ که در آن از داده های اسمی (کیفی) استفاده شده است روش
تحلیل خی دو (X^2) به کار رفت.

نتایج

مجموعه اطلاعات مربوط به پاسخ دهندگان که در پیوست ارائه
شده است، نشان می دهد پاسخ دهندگان شهری در مقایسه با
روستاییان تمایل بیشتری برای کار کردن و همکاری با دولت
دارند. «جوان ترها و تحصیل کرده ها به مشاغل نیازمند تحصیلات،
گرایش بیشتری دارند و از درآمد بیشتری نیز برخوردارند». میزان
تحصیلات، سن و درآمد آن ها کیفیت زیست محیطی بهتری را بر
مبنای مطالعات کلی جامعه می طلبد (ن. ک. جونز و دانلپ^{۱۶}). در
این سلسله از داده ها، تنها «سن» افراد به عنوان یک عامل پیش بینی
کننده مهم عمل کرد. رابطه بین «سن» و «تمایلات زیست محیطی»
منفی بود. در پیش بینی گرایش های زیست محیطی در میان جامعه
آماري، دو متغیر درآمد و تحصیلات، همبستگی معنی داری نشان
ندادند. در این جا باید یادآوری کرد که چون جامعه آماری مورد
استفاده پیش تر از افراد روشنفکر و تحصیل کرده تشکیل یافته است،
دو متغیر درآمد و میزان تحصیلات از واریانس محدودی برخوردار
بودند و شاید این دلیلی بر فقدان ارتباط و همبستگی بین این متغیرها

و گرایش به محیط زیست باشد. لیکن سازمان یافتگی نوع استخدام
و نوع تحصیلات در پیش بینی حمایت از محیط زیست نقش داشتند.
کسانی که در استخدام سازمان های دولتی بودند تا این که مشاغل
ایالتی داشتند، به محیط زیست کم تر علاقه نشان دادند. به همین
ترتیب کسانی که فارغ التحصیل رشته های بازرگانی و اقتصاد بودند،
به محیط زیست تمایل کم تری نشان دادند.

فرضیه شماره ۱: تعیین اندازه کیفیت زیست محیطی پدیده های
حیاتی

همان گونه که جدول شماره ۱ نشان می دهد، از لحاظ تعیین
اهمیت «ماهگیری و مشاهده حیات جانوری» در میان سه گروه آماری
پاسخ دهنده ($f=3/40$) و میانگین ترکیبی ($f=2/98$) تفاوت
عمده ای مشاهده می شود. در هر دو مورد فوق، میانگین گروه
روستایی بیش تر از دو گروه دیگر بود. این یافته ها با یافته های پیشین
درباره روستاییان ناحیه آیداهو مشابهت دارد که اهمیت عوامل زیست
محیطی را در کیفیت زندگی نشان می دهد (مکبث و فاستر، ۱۹۹۴).
یافته های این تحقیق همچنین با آرماتگرایی روستا/شهری مطابقت
دارد (هامن، ۱۹۹۰). ادبیات موضوع و پایگاه های اطلاعاتی نشان
می دهند که روستانشینان و مسؤولان برنامه ریزی توسعه اقتصادی
روستایی در مقایسه با افراد مشابه در نواحی حومه شهری (شهرکها)
و نواحی شهری، بر تأثیر بیش تر کیفیت محیط زیست بر کیفیت زندگی
تأکید می کنند. در این صورت، ما می توانیم بخش نخست فرضیه ۱
خود را رد کنیم که بر اساس آن در تعیین اندازه کیفیت حیاتی پدیده در
زیست محیطی، تفاوتی در میان مسؤولان متکی به روستا و مسؤولان
متکی به شهر وجود نداشته است. در رابطه با بخش دوم این فرضیه،
از نظر اهمیت دادن به عوامل اقتصادی در کیفیت زندگی جوامع
روستایی، در میان مسؤولان برنامه ریزی توسعه اقتصادی متکی به
روستا و متکی به شهر، تفاوت معنی داری وجود دارد.

تذکر: این سؤال از پاسخ دهندگان پرسیده شد تا میزان اهمیت
هریک از عوامل در کیفیت زندگی ساکنان روستایی نشان داده شود.
از یک مقیاس هفت گانه به منظور محاسبه میانگین اندازه ها و امتیازات
استفاده شده است. $P < 0.10 \times$. پس از اعمال متغیرهای درآمد،
سن و میزان تحصیلات این روابط همچنان حفظ شده اند.

فرضیه شماره ۲: تعیین اهمیت روش های برگزیده راهکارهای
روستایی

جدول شماره ۲ نشان می دهد که مسؤولان روستایی در انتخاب
خط مشی های زیست محیطی حمایت بیشتری از خود نشان
می دهند. این مورد شامل انتخاب فردی «تأکید بر محافظت و
اصلاح خاک محصولات طبیعی زراعی به منظور تولید غذای
بیش تر ($f=4/53$) و روش ترکیبی محیط زیست ($f=3/54$) است.

جدول ۱. تعیین اندازه و اهمیت کیفیت زندگی از دیدگاه پاسخ دهندگان

آزمون f	جمعیت						امکانات مورد نظر
	+۵۰,۰۰۰ (N=۱۲۵) میانگین انحراف معیار		۵۰۰۰-۴۹۹۹ (N=۱۲۰) میانگین انحراف معیار		کمتر از ۵۰۰۰ نفر (N=۶۳) میانگین انحراف معیار		
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
٪۵۹	۲,۸۲	۴,۱۰۰	۲,۸۲	۴,۲۵	۲,۸۵	۴,۳۰	۱. نوع استخدام
٪۷۳	۱,۵۶	۵,۶۹	۱,۳۷	۵,۸۴	۱,۴۳	۵,۸۷	۲. کیفیت آب
۱,۸۶	۱,۵۸	۵,۵۳	۱,۵۱	۵,۶۷	۱,۵۲	۵,۸۶	۳. تأمین آب
٪۴۱	۱,۲۹	۵,۴۱	۱,۲۹	۵,۱۷	۱,۲۹	۵,۳۴	۴. میزان دستمزد و حقوق
٪۶۰	۱,۵۵	۵,۱۷	۱,۴۷	۵,۲۹	۱,۶۱	۵,۳۵	۵. کیفیت هوا
٪۸۱	۱,۵۵	۵,۱۵	۱,۵۶	۵,۱۲	۱,۵۴	۵,۱۰	۶. نوع اقلیم
٪۶۴	۱,۳۰	۴,۷۸	۱,۴۰	۴,۸۶	۱,۵۰	۴,۹۵	۷. فضای باز
۳,۴۰	۱,۴۳	۴,۵۰	۱,۳۷	۴,۹۶	۱,۳۹	۴,۸۰	۸. ماهیگیری / حیات وحش
۱,۹۴	۱,۶۵	۴,۴۵	۱,۵۱	۴,۵۶	۱,۳۸	۴,۸۱	۹. مالیات کم
٪۷۰	۱,۰۶	۴,۴۶	۱,۱۶	۴,۴۵	۱,۲۲	۴,۶۵	۱۰. دسترسی به مرکز خرید
۲,۹۸	۱,۱۱	۵,۱۶	۱,۴۲	۵,۳۱	۱,۱۷	۵,۴۳	موارد زیست محیطی
٪۴۶	٪۹۹	۵,۱۰	۱,۶۶	۴,۷۱	۱,۰۵	۵,۲۲	موارد اقتصادی

جدول ۲. تعیین میزان اهمیت راهکارهای توسعه روستایی و محیط زیست در آینده از سوی پاسخ دهندگان

آزمون f	+۵۰,۰۰۰ میانگین (انحراف معیار)	جمعیت بین ۵۰۰۱-۴۹۹۹۹ میانگین (انحراف معیار)	کمتر از ۵۰۰۰ نفر میانگین (انحراف معیار)	خط مشی و راهکار مورد نظر
٪۳	۲,۶۶ (۱,۴۳)	۲,۵۹ (۱,۳۶)	۲,۷۳ (۱,۶۴)	گروه ۱: تأکید می شود که رشد اقتصادی بسیار مهم تر از محافظت از محیط زیست است.
٪۹	۳,۴۳ (۱,۶۷)	۳,۸۰ (۱,۵۱)	۳,۴۵ (۱,۷۲)	تأکید می شود که محافظت از محیط زیست مهم تر از رشد اقتصادی است.
٪۳۲	۴,۸۲ (۱,۳۳)	۴,۷۲ (۱,۳۰)	۴,۹۸ (۱,۴۲)	گروه ۲: تأکید می شود که برای تولید کالاهای مورد نیاز، باید طبیعت را مورد بهره برداری قرار داد.
٪۳۷	۴,۰۵ (۱,۵۳)	۴,۳۹ (۱,۶۹)	۴,۱۳ (۱,۹۶)	تأکید می شود که باید از طبیعت به خاطر خودش محافظت کرد.
۱,۱۷	۳,۲۹ (۱,۳۴)	۳,۵۶ (۱,۵۲)	۳,۴۶ (۱,۵۷)	گروه ۳: بر استفاده از منابع به منظور تأمین منافع نسل کنونی تأکید می شود.
۱,۹۳	۵,۴۰ (۱,۳۱)	۵,۴۲ (۱,۴۶)	۵,۷۳ (۱,۲۵)	بر محافظت از منابع به منظور تأمین منافع نسل های آینده تأکید می شود.
٪۳۰	۳,۱۷ (۱,۵۷)	۳,۲۴ (۱,۵۹)	۳,۳۰ (۱,۸۴)	گروه ۴: بر بهره برداری از اراضی زراعی و استفاده از مواد شیمیایی برای تولید غذای بیش تر تأکید می شود.
۴,۵۳	۵,۲۷ (۱,۴۲)	۵,۴۴ (۱,۴۱)	۵,۶۵ (۱,۴۶)	بر محافظت و بهبود وضعیت طبیعی تولیدی خاک ها به منظور تولید بیش تر مواد غذایی تأکید می شود.
۳,۵۴	۴,۵۵ (۰,۹۴)	۴,۷۴ (۰,۸۰)	۴,۷۴ (۱,۱۳)	- تمایل به محافظت از محیط زیست
۰,۱۹	۳,۸۶ (۱,۱۲)	۳,۵۳ (۰,۸۹)	۳,۶۲ (۰,۹۶)	- تمایل به رشد و توسعه اقتصادی

X مقدار $P < 0.10$ است. همبستگی پس از اعمال متغیرهای «درآمد»، «سن» و «میزان تحصیلات» برقرار مانده است.



جدول ۳. ارزش گذاری پیامدهای زیست محیطی توسعه از سوی پاسخ دهندگان

آزمون f	بیش از	بین	کمتر از ۵۰۰۰ نفر	پیامدهای بالقوه منفی زیست محیطی توسعه
	۵۰,۰۰۰ نفر میانگین	۴۹۹۹۹-۵۰۰۱ نفر میانگین	میانگین	
%۹۸	(انحراف معیار) ۵/۵۲ (۱/۲۱)	(انحراف معیار) ۵/۶۹ (۱/۲۳)	(انحراف معیار) ۵/۶۹ (۱/۳۵)	

شماره ۵ را رد کنیم (ن. ک. جدول ۵).

فرضیه شماره ۶: پاسخ‌های ارائه شده درباره نقش شهروندان از جدول ۶ چنین برمی‌آید که در نگرش‌های مقامات مسؤول روستا/شهری درباره مقدار نفوذ و نقش شهروندان در امر برنامه‌ریزی خط مشی‌های توسعه محلی، تفاوت آماری مشاهده نمی‌شود. در نتیجه، نمی‌توان فرضیه شماره ۶ را رد کرد.

توجه: پاسخ در مقیاسی از ۱ (نقش کامل) تا ۷ (بدون نقش) تقسیم‌بندی شده‌اند. همبستگی معنی‌داری مشاهده نمی‌شود.

کاربرد نتایج تحقیق در ارائه راهکارهای توسعه روستایی

با توجه به آنچه گفته شد، در این جا این سؤال پیش می‌آید که: «چنانچه نتایج فوق را به موضوع اصلی این تحقیق، یعنی امکان مطلوبیت امر تمرکززدایی در توسعه اقتصادی و پیامدهای بالقوه آن در محافظت از محیط زیست» مرتبط کنیم، چه حاصل خواهد شد؟ نخست این که برای توجیه مسأله علاقه‌مندی افزون افراد دست‌اندرکار و تصمیم‌گیرنده توسعه اقتصادی روستاها (که پیشینه شهری دارند) به مسائل زیست محیطی در مقایسه با دست‌اندرکاران دارای پیشینه روستایی پیشینیانی کافی مشاهده نمی‌شود. با توجه به این واقعیت که: اکثریت دست‌اندرکاران تصمیم‌گیری با پیشینه شهری تحصیل کرده‌تر می‌باشد؛ از درآمد بیش‌تری برخوردارند، و جوان‌تر نیز می‌باشند، این موضوع کاملاً تعجب‌آور به نظر می‌رسد. این‌ها تمام عواملی هستند که به طور سنتی به سطوح بالاتر گرایش به سمت محیط زیست در کل جمعیت مرتبط می‌شوند. در نمونه ما به نظر می‌رسد که دست‌اندرکاران متکی به روستا، اهمیت کیفیت زیست محیطی پدیده‌های حیاتی و نقش آن در زندگی ساکنان روستایی را بهتر درمی‌یابند. این موضوع یافته‌ای جالب و با اهمیت است؛ زیرا نشان می‌دهد که مسؤولان متکی به روستا، اطلاعات بیش‌تری درباره کم و کیف ویژگی‌های زندگی ساکنان خود دارند. البته تحقیقات تجربی چندی بر اهمیت حیاتی پدیده‌های زیست محیطی در زندگی ساکنان روستا ورزیده‌اند (برای مثال، ن. ک. ویلیس و همکاران^{۱۲}؛ هامن، ۱۹۹۰).

توجه بیش‌تر و ارزش قائل شدن مسؤولان متکی به روستا به موضوع «تأکید بیش‌تر بر محافظت از منابع برای نسل‌های آینده» نشانگر میزان شناخت آنان از اصول توسعه پایدار است. همچنین

در این صورت، ما می‌توانیم فرضیه ۲ (ب) را -که نشان می‌دهد در تعیین اندازه و امتیازدهی به راهکارهای زیست محیطی حساس در میان پاسخ‌دهندگان تفاوتی وجود ندارد- رد کنیم. ما در امتیازدهی پاسخ‌دهندگان به انتخاب خط مشی‌های ضد زیست محیطی تفاوتی نیافتیم و در نتیجه فرضیه ۲ (الف) رد نمی‌شود. لطفاً توجه کنید که پاسخ‌دهندگان به عنوان یک گروه، در انتخاب‌های زیست محیطی، قاطعانه موارد زیست محیطی را برمی‌گزینند. لیکن در این جا توقع این است که مصاحبه‌شوندگان اعتقاد داشته باشند: «باید بر استفاده از طبیعت به منظور تولید کالاها مورد نیاز» و نه بر «محافظت از طبیعت تنها به خاطر خود طبیعت» تأکید کرد.

فرضیه شماره ۳: ارزش گذاری پیامدهای زیست محیطی توسعه در بین ارزش‌گذاری‌های پاسخ‌دهندگان درباره اهمیت اثرات به طور بالقوه منفی توسعه بر محیط زیست، تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود. در این صورت، فرضیه شماره ۳ رد نمی‌شود (ن. ک. جدول ۳).

لطفاً اهمیت این عوامل را بین کدهای ۱ تا ۷ تعیین کنید. یادآوری: این پرسش دارای کدبندی ۱ (بسیار کم اهمیت) تا ۷ (بسیار مهم) است.

فرضیه شماره ۴: ارزش گذاری رهکارهای توسعه اقتصادی نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که مقامات مسؤول و رسمی که اصلاً روستایی بوده‌اند، در مقایسه با مقامات شهری برای راهکارهای توسعه اقتصادی ارزش‌زیادتری قائل می‌شوند و بر این اساس، توسعه اقتصادی درون‌زا را توصیه می‌کنند (در امتیاز و ارزش ترکیبی میزان ۴ برابر ۲۱۸۹ است). این ارزش‌گذاری‌ها بیش‌تر در همه موارد مربوط به راهکارهای توسعه و امتیاز ترکیبی وجود دارند. لیکن باید خاطر نشان کرد که همه پاسخ‌دهندگان قویاً این نوع راهکار توسعه را بر توسعه‌ای که برون‌زا باشد، ترجیح دادند. در این جا می‌توان فرضیه شماره ۴ را رد کرد؛ اما بر اهمیت جمله پیش‌گفته توجه کنید.

فرضیه شماره ۵: پاسخ‌های ارائه شده در مورد رشد جمعیت در بین دو متغیر دربرگیرنده رفاه اقتصادی و رشد جمعیت هیچ‌گونه همبستگی مقایسه نمی‌شود. بنابراین، ما نمی‌توانیم فرضیه

جدول ۴. ارزش گذاری راهکارهای توسعه اقتصادی از جانب پاسخ دهندگان

آزمون f	بیش از ۵۰۰۰۰ نفر میانگین (انحراف معیار)	جمعیت بین ۴۹۹۹۹-۵۰۰۰۱ نفر میانگین (انحراف معیار)	کمتر از ۵۰۰۰ نفر میانگین (انحراف معیار)	
۲,۷۴	۶,۰۶ (۰,۹۵)	۵,۹۱ (۰,۸۶)	۶,۲۹ (۰,۶۶)	توسعه درون‌زا: - ایجاد فرصت‌های شغلی کوچک
۴,۴۸	۶,۱۳ (۰,۰۳)	۶,۳۴ (۰,۸۵)	۶,۴۱ (۰,۷۷)	- نگهداری / گسترش
۳,۱۵	۵,۳۷ (۱,۱۳)	۵,۴۲ (۱,۱۴)	۵,۷۰ (۱,۰۶)	- مشاغل خانگی
%۹۹	۳,۵۷ (۱,۶۳)	۳,۴۷ (۱,۷۰)	۳,۳۰ (۱,۹۸)	توسعه بیرون‌زا: - استخدام صنعتی
%۴۱	۵,۱۰ (۱,۲۸)	۵,۰۵ (۱,۱۹)	۳,۹۷ (۱,۳۲)	- توسعه توریسم
%۲۷	۴,۴۷ (۱,۲۹)	۴,۴۱ (۱,۴۵)	۴,۳۵ (۱,۵۸)	- ساکنان بازنشسته
۲,۸۹ ^{***}	۵,۸۵ ۴,۳۸	۵,۸۹ (۰,۴۶)	۶,۱۳ (۰,۸۳)	- رقابت داخلی
%۴۶	۴,۳۸ (۱,۴۰)	۴,۳۱ (۰,۷۹)	۴,۲۰ (۱,۶۲)	- رقابت بیرونی

* مقدار $P < 0,10 = P$

** مقدار $P < 0,05 = P$ است. همبستگی پس از اعمال متغیرهای «درآمد»، «سن» و «میزان تحصیلات»

تأکید بیش‌تر بر این که مسؤولان روستایی برای راهکارهای توسعه اقتصادی درون‌زا اهمیت بیش‌تری قائل می‌شوند، گویای آن است که تمرکززدایی در خط‌مشی‌های توسعه اقتصادی لزوماً برای محیط زیست زیانبار نیست؛ بلکه در امر محافظت از محیط زیست بسیار سودمند نیز می‌باشد. در نهایت این که، به نظر می‌رسد دست‌اندرکاران روستایی به ایجاد زمینه‌های دخالت بیش‌تر روستاییان در تعیین خط‌مشی‌های توسعه محلی گرایش بیش‌تری نشان می‌دهند. لیکن یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که این نمونه، نشان دهنده نظرات افراد دست‌اندرکار توسعه روستایی است و نه ساکنان روستا. بر اساس نظریه توسعه اقتصادی پایدار، شهروندان باید در تصمیم‌گیری‌های توسعه نقش مستقیمی ایفا کنند. شهروندان و ساکنان جوامع روستایی بخوبی می‌دانند که تنها در شرایطی امکان حیات و توسعه روستا فراهم می‌شود که اجتماعات روستایی تا اندازه‌ای به تجدید اندیشه‌ها و ارائه ابتکار پردازند. آن‌ها دریافته‌اند که آنچه که امروز وجود دارد، کاملاً متفاوت از گذشته است و همچنین می‌دانند که تجدید بنای ساختار اقتصادی جامعه روستایی باید بر پایه اقتصادی-اجتماعی تازه‌ای بنا شود. نکته اساسی در این راستا این است که این شالوده جدید باید توسط خود روستاییان بنا نهاده شود و نمی‌توان آن را از طریق افراد دست‌اندرکار مسائل محیطی-که در بیرون از روستا می‌باشند یا حتی شرکت‌هایی که در صدد بهره‌برداری از صدها تن منابع معدنی یا درختان جنگلی واقع در روستا می‌باشند- بر آنان تحمیل کرد. همچنین چنین توسعه‌ای را افراد تصمیم‌گیرنده دولت‌های فدرال نیز نمی‌توانند به تنهایی انجام دهند.

تأکید بیش‌تر بر این که مسؤولان روستایی برای راهکارهای توسعه اقتصادی درون‌زا اهمیت بیش‌تری قائل می‌شوند، گویای آن است که تمرکززدایی در خط‌مشی‌های توسعه اقتصادی لزوماً برای محیط زیست زیانبار نیست؛ بلکه در امر محافظت از محیط زیست بسیار سودمند نیز می‌باشد. در نهایت این که، به نظر می‌رسد دست‌اندرکاران روستایی به ایجاد زمینه‌های دخالت بیش‌تر روستاییان در تعیین خط‌مشی‌های توسعه محلی گرایش بیش‌تری نشان می‌دهند. لیکن یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که این نمونه، نشان دهنده نظرات افراد دست‌اندرکار توسعه روستایی است و نه ساکنان روستا. بر اساس نظریه توسعه اقتصادی پایدار، شهروندان باید در تصمیم‌گیری‌های توسعه نقش مستقیمی ایفا کنند. شهروندان و ساکنان جوامع روستایی بخوبی می‌دانند که تنها در

جدول ۵. نظرات پاسخ دهندگان درباره رفاه اقتصادی و رشد جمعیت

انتخاب	کمتر از ۵۰۰۰ نفر	بین ۴۹۹۹۹-۵۰۰۰۱ نفر	بیش از ۵۰۰۰۰ نفر
امکان رفاه اقتصادی بدون رشد جمعیت وجود دارد.	۴۸(۸۰٪)	۹۲(۸۳٪)	۸۲(۷۴٪)
امکان رفاه اقتصادی بدون رشد جمعیت وجود ندارد.	۱۲(۲۰٪)	۱۹(۱۷٪)	۲۹(۲۶٪)
جمع	۶۰	۱۱۱	۱۱۱
خی دو (X)			۳,۰۳
درجه آزادی			۲

توجه: اخی دو یعنی دار نیست.



جدول ۶. نظرات پاسخ دهندگان درباره میزان اهمیت و نقش شهروندان در خط مشی های توسعه شهروندان محلی تا چه اندازه باید در برنامه ریزی خط مشی های توسعه اقتصادی نقش و نفوذ داشته باشند؟

انتخاب ها	کمتر از ۵۰۰۰ نفر	بین ۴۹۹۹۹ - ۵۰۰۱ نفر	بیش از ۵۰,۰۰۰ نفر
نقش یا تأثیر گذاری کامل (۱۰۰٪)	۱۵(۲۴٪)	۱۸(۱۵٪)	۱۰(۸٪)
نقش یا تأثیر گذاری زیاد (۸۰٪)	۲۵(۴۰٪)	۶۵(۵۴٪)	۷۳(۵۸٪)
نقش یا تأثیر گذاری مناسب (۶۰٪)	۱۶(۲۵٪)	۲۸(۲۳٪)	۳۲(۲۶٪)
نقش یا تأثیر گذاری متوسط (۵۰٪)	۴(۶٪)	۲(۳٪)	۶(۵٪)
تا اندازه های تأثیر گذاری (۴۰٪)	۲(۳٪)	۵(۴٪)	۲(۳٪)
نقش کم (۲۰٪)	۱(۲۰٪)	۰(۰٪)	۰(۰٪)
بدون نقش (۰٪/ صفر)	۰(۰٪)	۰(۰٪)	۰(۰٪)
میانگین	۲,۳۰	۲,۲۸	۲,۳۷
انحراف معیار	۱,۱۰	٪۹۰	٪۸۲
آزمون f			٪۳۶

توجه: پاسخ در مقیاسی از ۱ (نقش کامل) تا ۷ (بدون نقش) تقسیم بندی شده اند. همبستگی معنی داری مشاهده نمی شود.

جدول الف: ویژگی های مصاحبه شوندهگان

منطقه	جامعه آماری	کمتر از ۵۰۰۰ نفر	بین ۴۹۹۹۹ - ۵۰۰۰ نفر	بیش از ۵۰,۰۰۰ نفر
شمال شرق	۷۰(۲۳٪)	۱۵(۲۴٪)	۲۹(۲۴٪)	۲۶(۲۱٪)
جنوب	۴۷(۱۵٪)	۸(۱۳٪)	۱۰(۸٪)	۲۹(۲۳٪)
بخش میانی شرق	۲۶(۸٪)	۸(۱۳٪)	۱۳(۱۱٪)	۵(۴٪)
جنوب غربی	۴۶(۱۵٪)	۱۳(۲۱٪)	۱۵(۱۳٪)	۱۸(۱۴٪)
جلبگاه ها و نواحی کوهستانی راکی	۶۲(۲۰٪)	۱۰(۱۶٪)	۲۹(۲۴٪)	۲۳(۱۸٪)
شمال غرب - غرب	۵۷(۱۹٪)	۹(۱۴٪)	۲۴(۲۰٪)	۲۴(۱۹٪)
نهاد یا سازمان	۶۷(۲۲٪)	۱۰(۱۶٪)	۳۴(۲۸٪)	۲۳(۱۸٪)
نهاد آموزشی	۹(۳٪)	۲(۳٪)	۶(۵٪)	۱(۱٪)
مؤسسه مالی	۷۵(۲۱٪)	۱۱(۱۷٪)	۳۱(۲۵٪)	۳۳(۲۶٪)
دولتی و حکومتی	۲۲(۷٪)	۳(۵٪)	۷(۶٪)	۱۲(۱۰٪)
دانشگاه	۱۱(۱٪)	۰(۰٪)	۳(۳٪)	۸(۶٪)
مراجع حقوقی	۴(۱٪)	۲(۳٪)	۰(۰٪)	۲(۲٪)
شرکتهای ملی	۶۷(۲۳٪)	۱۸(۲۹٪)	۲۷(۲۳٪)	۲۲(۱۸٪)
غیر انتفاعی	۲۷(۸٪)	۹(۱۴٪)	۹(۸٪)	۹(۷٪)
مؤسسه خصوصی	۲۶(۱۰٪)	۸(۱۳٪)	۳(۳٪)	۱۵(۱۲٪)
سایر موارد	۱۵۶,۰۶۰	۲,۰۵۴۸	۲۳,۰۱۱۵	۳۵۹,۷۵۲
جمعیت (میانگین)				
جنس				
مؤنث	۸۱(۲۷٪)	۲۰(۳۲٪)	۳۱(۲۶٪)	۳۰(۲۴٪)
مذکر	۲۲۵(۷۳٪)	۴۲(۶۸٪)	۸۸(۷۴٪)	۹۵(۷۶٪)
سن (میانگین)	۴۷,۴۶	۴۹,۱۲	۴۶,۸۳	۴۷,۴۵
تحصیلات / سال (میانگین)	۱۷,۹۷	۱۶,۹۳	۱۸,۱۶	۱۸,۲۷
نوع تحصیلات				
علوم انسانی و اجتماعی	۱۰۸(۳۷٪)	۲۱(۳۸٪)	۴۰(۳۵٪)	۴۷(۴۰٪)
فعالتهای اقتصادی	۴۲(۱۴٪)	۵(۹٪)	۱۹(۱۷٪)	۱۸(۱۵٪)
مدیریت عمومی	۴۹(۱۷٪)	۶(۱۱٪)	۱۷(۱۵٪)	۲۶(۲۲٪)
علوم طبیعی	۴۶(۱۶٪)	۱۴(۲۶٪)	۱۵(۱۳٪)	۱۴(۱۲٪)
مهندسی	۱۴(۵٪)	۴(۷٪)	۸(۷٪)	۲(۲٪)
سایر موارد	۳۲(۱۱٪)	۵(۹٪)	۱۶(۱۴٪)	۱۱(۹٪)
درآمد سالانه (میانگین)	۶۰,۶۹۵	۵۳,۶۹۶	۵۸,۶۴۲	۶۵,۶۱۴
سال های تحصیلات (میانگین)	۱۷,۹۷	۱۳,۴۹	۱۲,۲۷	۱۴,۵۱

مردم در گزینش راهکارهای توسعه اقتصادی مخالف محیط زیست، به پنهانسازی یا کتمان انتخاب و نظریه خود پردازند. با توجه به فقر دانش کنونی، نیاز به تحقیقات بیش تر درباره میزان تمایل روستاییان به موضوعات زیست محیطی در هنگام اجرای طرح های توسعه اقتصادی، کاملاً محسوس است.

زیرنویس:

۱- این مقاله ترجمه ای است از:

Urban - Rural Influences in U.S Environmental and Economic Development Policy, Journal of Rural Studies 12 (4): 387 - 397 (1996).

2. Richard H. foster and Mark. K. McBeth

3. Worster (1979), and (1986), Stegner (1987), and Reisner (1986).

4. Buttel and Flinn, 1974

5. Tremblay and Dunlap, 1978.

6. Lowe and Pinhey, 1982

7. Fortmann and Kusel, 1990.

8. Rudzitis and Johnson and Rasker, 1993.

9. Alm and Witt, 1994, P.B.

10. Willits, et al, 1990.

11. Johnson and Rasker, 1993.

12. Willits and Crider

13. Rural Development policy Makers and Practitioners (1993).

14. Mohai (1985).

15. kinsley, 1993.

16. Jones and Dunlap (1992).

17. Willits, et al., 1990.

شاید آنچه که گفته شد، مخاطره آمیزترین اقدامات درباره موضوع ایجاد ابتکار عمل در جوامع روستایی باشد. در چنین حالتی، لشکری از مشاوران، مجریان، زمامداران دولت، شرکت های سرمایه گذاری و دانشگاهیان بر جوامع روستایی فرود می آیند و وعده های مساعدت در زمینه توسعه اقتصادی به روستائیان می دهند. معمولاً این مجریان طرح ها و مشاوران به فرایند تصمیم گیری کمک می کنند؛ اهداف را مشخص می سازند و از میان پیشنهادها و طرح های ارائه شده، مواردی را برمیگزینند. جوامع روستایی که از رهبری و هدایت نصف و نیمه ای برخوردار هستند، زمینه اعمال نظرات افراد دیگر را آماده می کنند. البته آسان تر این است که خود روستاییان به چنین اقداماتی دست بزنند؛ زیرا نتایج اعمال نظرهای افراد پیش گفته، کند و مقطعی است و هر نوع تغییراتی در جهت توسعه اقتصادی، فاقد ژرفای مناسب خواهد بود.

۶۷ درصد از جامعه آماری بر این عقیده است که روستائینان حداقل باید از «نفوذ و نقش همه جانبه ای» در تدوین برنامه های توسعه اقتصادی برخوردار باشند. یافته های این پژوهش گویای آن است که تمرکززدایی در انتخاب خط مشی های توسعه اقتصادی از جانب خود دست اندرکاران امور اقتصادی و تصمیم گیران به عنوان گزینه ای مطلوب تأیید شده است.

مسیر آینده ما چیست؟

تحلیل داده های این پژوهش نشان می دهند که تمرکززدایی راهکارهای توسعه اقتصادی - روستایی و بهره گیری از مقامات و مسؤولان متکی به روستا (با پیشینه روستایی) پیامدهای منفی و مخرب زیست محیطی را در بر ندارد. با این وصف، همواره این شگفتی وجود دارد که تحصیل کردگانی که در این مقاله مطالعه شدند، در مقایسه با روستائینان، گرایش های زیست محیطی قوی تری دارند. در صورت وجود پایگاه اطلاعاتی ملی که به مقایسه و تطبیق تمایلات زیست محیطی روستائینان با گرایش های توسعه اقتصادی مسؤولان پردازد، در نهایت می توان به این پرسش پاسخ داد: «میزان تمایل و گرایش روستائینان به محافظت از محیط زیست و به موازات آن رفاه و توسعه اقتصادی چه قدر است.

نتیجه

ارجح دانستن تمرکززدایی از سوی دست اندرکاران امور اقتصادی، اطلاعات زیادی به دست نمی دهد. امکان دارد برخی از این افراد به این جهت چنین انتخابی را بپذیرند که احساس می کنند روستائینان نیز به نوبه خود ممکن است خواستار اعمال راهکارهای توسعه اقتصادی ضد محیط زیست بشوند. مطالعات پیشین نشان می دهند که شهرنشینان، راهکارهای توسعه مخالف محیط زیست را نمی پذیرند (مکیث، ۱۹۹۵). این امکان نیز وجود دارد که روشنفکران و تحصیل کردگان محلی به گمان غلبه نظر اکثریت عامه